

انگلیسی در سفر (۱)



فصل هفتم

At the Train Station

قسمت دوم

www.sayraelt.ir

Instagram:

[@sayraelt.ir](https://www.instagram.com/sayraelt.ir)

[@sayra.lyrics](https://www.instagram.com/sayra.lyrics)

Words and Expressions

Railway /'reɪlweɪ/ (noun) a track with rails on which trains run

Example: The railway is still under construction.

راه آهن: مسیری با ریل که قطارها روی آن حرکت می کنند.

مثال: راه آهن هنوز در حال ساخت است.

Platform /'plætfɔːrm/ (noun) the raised flat area next to the track at a train station where you get on or off the train

Example: The train drew into the platform.

سکو: منطقه مسطح بلند شده در کنار مسیر در ایستگاه قطار که در آن سوار یا پیاده می شوید.

مثال: قطار به داخل سکو وارد شد.

Couch /kaʊtʃ/ (noun) a long comfortable seat for two or more people to sit on

Example: They sat down on the wide couch.

کاناپه: یک صندلی بلند راحت برای نشستن دو یا چند نفر

مثال: آنها روی مبل پهنی نشستند.

Delay /dɪ'leɪ/ (noun) a period of time when somebody/something has to wait because of a problem that makes something slow or late

Example: The strike has led to some delays in train services.

تأخیر: دوره زمانی که کسی/چیزی باید به دلیل مشکلی که باعث کند یا دیر شدن چیزی می شود منتظر بماند.

مثال: اعتصاب منجر به تاخیر در خدمات قطار شده است.

Aisle /aɪl/ a passage between rows of seats in a church, theatre, train, etc., or between rows of shelves in a supermarket / -an aisle seat (= in a plane or train)

Example: Coffee and tea are in the next aisle.

راهرو: گذری بین ردیف صندلی های کلیسا، تئاتر، قطار و غیره، یا بین ردیف قفسه های سوپرمارکت / صندلی راهرو در

(هواپیما یا قطار)

مثال: قهوه و چای در راهروی بعدی هستند.

Compartment /kəm'pɑːrtmənt/ (noun) one of the separate sections that a coach on a train is divided into

Example: He found an empty first-class compartment.

کوپه: یکی از بخش های جداگانه ای است که یک واگن در قطار به آن تقسیم می شود.
مثال: او یک کوپه خالی درجه یک پیدا کرد.

Express train /ɪk'spres/(noun) a fast train that does not stop at many places

Example: The express train drew into the platform.

قطار سریع السیر: قطار سریعی که در خیلی جاها توقف نمی کند
مثال: قطار سریع السیر وارد سکو شد.

Passenger/'pæsiɒdʒər/ (noun) a person who is travelling in a car, bus, train, plane or ship and who is not driving it or working on it/ - airline/cruise/rail/bus passengers

Example: The boat was carrying more than 100 passengers.

مسافر: شخصی که در ماشین، اتوبوس، قطار، هواپیما یا کشتی در حال سفر است و در حال رانندگی یا کار بر روی آن نیست.

مثال: قایق حامل بیش از ۱۰۰ مسافر بود.

First Class /fɜːrst 'klæs/(adverb) using the best and most expensive seats or accommodation in a train, plane or ship / -to travel first class

Example: First class tickets are £47 each and second-class tickets are £35 each.

فرست کلاس: استفاده از بهترین و گران ترین صندلی ها یا محل اقامت در قطار، هواپیما یا کشتی / برای سفر درجه یک

مثال: بلیط های درجه یک هر کدام ۴۷ پوند و بلیط های درجه دو هر کدام ۳۵ پوند است.

Conductor /kən'dʌktər/ (noun) a person whose job is to collect money from passengers on a bus or train or check their tickets

Example: As the train pulled out the senior conductor came round.

راهبر: شخصی که کارش جمع آوری پول از مسافران اتوبوس یا قطار یا چک کردن بلیط آنها است.
مثال: همانطور که قطار بیرون می آید، راهبر ارشد دور می زند.

Intercity (Train) /,ɪntər'sɪti/ (adjective) travelling between cities, usually with not many stops on the way/ -an intercity rail service

Example: High speed intercity trains provide frequent services between all major British cities.

بین شهری (قطار): مسافرت بین شهرها، معمولاً با توقف های کم در راه/ خدمات ریلی بین شهری
مثال: قطارهای پرسرعت بین شهری خدمات مکرر را بین تمام شهرهای بزرگ بریتانیا ارائه می دهند.

Board (the train) /bɔ:rd/ (verb) to get on a bus, plane, train etc in order to travel somewhere

Example: Passengers were standing on the dock, waiting to board.

سوار شدن (قطار): سوار شدن به اتوبوس، هواپیما، قطار و غیره برای سفر به جایی
مثال: مسافران روی اسکله ایستاده و منتظر سوار شدن بودند.

Season Ticket /'si:zn tɪkɪt/ (noun) a ticket that you can use many times within a particular period, for example on a regular train or bus journey

Example: So if you're likely to need more than 14 items in 12 months a season ticket will save you money.

بلیط فصلی: بلیطی که می توانید چندین بار در یک بازه زمانی خاص از آن استفاده کنید، به عنوان مثال در یک سفر معمولی با قطار یا اتوبوس
مثال: بنابراین اگر احتمالاً در ۱۲ ماه به بیش از ۱۴ مورد نیاز دارید، بلیط فصل باعث صرفه جویی در هزینه شما می شود.

Couchette /ku:'ʃet/ (noun) a narrow bed on a train that folds down from the wall

Example: It is a moment before the long hours, which makes up spending a night in a couchette.

نیمکت تختخواب شو: تختی باریک در قطاری که از دیوار تا می شود.
مثال: این لحظه ای قبل از ساعاتی طولانی است که یک شب را در تخت سپری می کند.

Baggage car /'bæɡɪdʒ kɑ:r/ (noun) the part of a train where boxes, bags etc are carried

Example: They were locked in a windowless baggage car, and their excitement soon turned to tedium.

واگن چمدان: بخشی از قطار که در آن جعبه، کیف و غیره حمل می شود.
مثال: آنها در یک ماشین باری بدون پنجره حبس شده بودند و هیجان آنها خیلی زود به حالت خسته کننده تبدیل شد.

Departures board /dɪˈpɑːtʃə bɔːrd/ (noun) a big screen at an airport or station that shows the times at which planes or trains leave

Example: The main clock and the main departures board are in the center of the space.

تابلوی عزیمت: یک صفحه بزرگ در فرودگاه یا ایستگاه که زمان حرکت هواپیماها یا قطارها را نشان می دهد.
مثال: ساعت اصلی و تابلوی عزیمت اصلی در مرکز فضا قرار دارند.

Main line /mem laɪn/ (noun) an important railway that connects two cities

Example: It is difficult to imagine that this was once Britains first electric main line.

خط اصلی: یک راه آهن مهم که دو شهر را به هم متصل می کند.
مثال: تصور اینکه زمانی اولین خط اصلی متعلق به بریتانیا بود، دشوار است.

Exercise

1. We can't find the that our train leaves from.
2. If you're coming back today, you can buy a ticket.
3. were standing on the dock, waiting to board.
4. tickets have the most expensive seats on the train.

Cultural aspect

The USA might be one of the most technologically advanced countries in the world, but widespread public transportation is hard to find in this vast nation. Americans love the car as a means to see the wide-open nature and get from one location to the other independently. However, this system can be troubling for those looking to visit the country. Travelers should expect to be traveling between the major cities on airplanes or buses. Train networks are mostly confined to within the bounds of the major cities.

جنبه فرهنگی

ایالات متحده آمریکا ممکن است یکی از پیشرفته ترین کشورهای جهان از نظر فناوری باشد، اما حمل و نقل عمومی گسترده در این کشور وسیع به سختی یافت می شود. آمریکایی ها ماشین را به عنوان وسیله ای برای دیدن طبیعت باز و رسیدن از یک مکان به مکان دیگر به طور مستقل دوست دارند. با این حال، این سیستم می تواند برای کسانی که به دنبال سفر به این کشور هستند، مشکل ساز باشد. مسافران باید انتظار داشته باشند که بین شهرهای بزرگ با هواپیما یا اتوبوس سفر کنند. شبکه های قطار عمدتاً در محدوده شهرهای بزرگ محدود می شوند.



سایرا یک اپلیکیشن آموزش زبان انگلیسی در بستر اندروید است که شما می توانید زبان انگلیسی را با استفاده از آن در قالب تمرین های استاندارد تعاملی، چند مهارتی و هوشمند فرا بگیرید.

از مولفه های اصلی سایرا، استفاده از روش CLT، محتوای تولید شده ی بومی و استاندارد، ارائه دروس روزانه رایگان، لیگ کاربران،

آنالیز آموزش و یادگیری، استفاده از گیمیفیکیشن، مشاوره ی سیستمی و استفاده از زبان فارسی به عنوان راهنمای یادگیری می باشد.

شما می توانید اپلیکیشن سایرا را از وبسایت ما یا بازار و مایکت به سادگی دریافت نمایید و وارد دنیای جدید زبان آموزی شوید.

همچنین می توانید با دنبال کردن صفحات ما در اینستاگرام و آپارات

از ویدئو های آموزشی ما استفاده نمایید.

@Sayraelt.ir @sayralyrics

www.aparat.com/sayraelt_official



در صورت بروز هر گونه مشکل با شماره ی ۰۹۱۱۴۲۵۰۲۸۵ تماس حاصل فرمایید.